

همان سال امضای قانون اساسی در مجلس مطرح شد و در ۹ آذر همان سال اعلان آن منتشر گردید.^۱ بسیاری از بازرگانان و مردم از این طرح استقبال کردند و موجبات تاسیس یک بانک ایرانی از هر سو فراهم گردید.

با این حال نفوذ مطلق سیاست انگلیس بر دستگاه دولتی کشور و منافع سرشار بانک شاهی مانع از پیشرفت این خواست ملی در کشور ما شد و تا سال‌ها بعد، بانک شاهی به عنوان بانک انحصاری دولتی و قدرت برتر در امور مالی کشور ما باقی ماند، تا آنکه با پیدایش اقتدار حاکمیت و ثبات سیاسی در کشور در زمان رضاشاه، هیئت دولت لایحه «قانون اجازه تاسیس بانک ملی ایران» را به مجلس تقدیم کرد و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ (دوره ششم قانگذار) به تصویب نهائی رسید. نخستین اساسنامه بانک ملی در ۳۰ خرداد ۱۳۰۷ به تصویب هیئت وزیران رسید و سرانجام بانک ملی ایران در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ رسماً کار خود را آغاز کرد. هدف از تاسیس بانک در ماده یکم قانون آن چنین آمده است:

«دولت ملکش است برای پیشرفت امور تجارت و فلاح و صنعت، بانکی موسوم به بانک ملی

ایران تاسیس نماید که مرکز آن در تهران...»

و در ماده ۵ تصریح شده است که:

«بانک ملی مجاز است و دایع نقدی مدت‌دار و جاری قبول کند...»

ماده ۱۹ اساسنامه بانک ملی مورخ ۷ خرداد ۱۳۳۹ که جایگزین اساسنامه قبلی گردید، انجام عملیات زیر را در اختیار بانک قرار داد:

«افتتاح حساب جاری و قبول سپرده اعم از دیداری و یا مدت‌دار...»

بدین ترتیب بانک ملی ایران، مقدمات خارج ساختن اقتصاد کشور ما را از سلطه موسسات بانکی بیگانه و هدایت واحدهای اقتصادی را در چارچوب منافع ملی کشور فراهم ساخت. در سال ۱۳۰۹ حق نشر اسکناس از بانک شاهی انگلیسی گرفته شد و به بانک ملی واگذار گردید و نظام بانکی و پولی ملی و مستقل از نفوذ بیگانگان در این کشور استقرار یافت.

با وجود آنکه بانک ملی تاسیس شده و مقررات لازم در زمینه پذیرش سپرده و اعطای وام به تصویب رسید ولی به دلایل تاریخی که ذکر آن رفت، تا آن هنگام مقرراتی در زمینه پرداخت بهره

۱- در بخشی از اعلان تاسیس بانک ملی آمده است:

«اهل مجلس، محض پاس حقوق شاهانه و حفظ شئون ملت و ملاحظات خیرخواهانه دولت و ملت، قرض از خارجه را تصویب نمودند. عموم اهالی غیرتمند وطن پرست که خدای ناصر و حافظشان باد، حتی مخدرات محترمه در مجالس و مساجد و معابر به صدا درآمدند که این وجه را ولو اینکه مجاناً باشد و بلاعوض، خودمان حاضریم که به دولت داده و از خارجه استقراض نشود. علیهذا اعضای مجلس شورای ملی چنین صلاح دانسته که بانکی موسوم به بانک ملی تاسیس شود که عموم اهالی ایران در آن شرکت داشته باشند هر کس به قدر قوه و قدرت و وطن پرستی خود وجهی به عنوان سرمایه شرکتی در این بانک بگذارد... همان ماخذ، برگ ۷۵»

به سپرده‌گذاران و یا دریافت بهره از وام‌گیرندگان که لازمه‌گریز ناپذیر موجودیت و ادامه کار بانک بود در کشور ما وجود نداشت و همین امر لزوم قانونگذاری در این زمینه را مطرح ساخت.

ب - قانون مدنی:

جلد یکم قانون مدنی ایران در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ درست یک سال پس از قانون تاسیس بانک ملی ایران به تصویب رسید. با آنکه قانون مدنی ما ۱۲۵ سال پس از قانون مدنی فرانسه از تصویب گذشت ولی در یک مقایسه، دارای نوآوری و راه‌حل روشنی در زمینه بهره‌براردادی یا قانونی نیست که این امر در جای خود قابل درک است. با این حال، این قانون در چند ماده کوشش در تجویز بهره کرده است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- بهره سپرده:

قانون مدنی در باره بهره سپرده‌ها که ابزار اصلی کار بانک ملی بود روش غیر مستقیم را در پیش گرفت. نویسندگان این قانون، نهاد فقهی مضاربه را که در اصل، رابطه‌ای میان سرمایه و کار تجارته بوده است به عنوان پوششی برای بهره بانکی به کار گرفتند. با این حال با دو مشکل فقهی روبرو بودند. نخست آنکه در عقد مضاربه، زیانهای احتمالی به دارنده سرمایه تحمیل می‌شود و به همین جهت در صدر ماده ۵۵۸ گفته شده است:

«اگر شرط شود که مضاربه (عامل)، ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارت حاصله از تجارت

متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است.»

همین امر باعث تمایز کامل مضاربه از سپرده‌گذاری بانکی است. زیرا بانکها ملتزم به بازپرداخت اصل سپرده هستند. برای برطرف ساختن این مشکل در ذیل همین ماده به بهره گرفتن از یک شیوه صوری، افزوده شده است:

«مگر اینکه به طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به

مالک تملیک کند.»

که این شیوه به گونه آشکار در تضاد با بخش اول ماده ۵۵۸ است. از سوی دیگر، این راه‌حل از نظر فقهی و حقوقی قابل انتقاد است. زیرا میزان خسارت در هنگام عقد مجهول است و این جهالت به همه تعهدات طرفین گسترش یافته و به آنها آسیب می‌رساند. افزون بر آن، تعهد مضارب (عامل)، به جبران خسارت مالک، دارای یک علت قانونی کافی نیست و اعتبار آن مورد تردید است. به هر حال با این مقدمه چینی هدف از این فرمول آن بوده است که از عقد مضاربه پوششی برای تجویز بهره بانکی ساخته شود. زیرا ماده ۵۵۹ می‌گوید:

«در حساب جاری یا حساب به مدت ممکن است با رعایت شرط قسمت اخیر ماده قبل احکام

مضاربه جاری و حق المضاربه به آن تعلق گیرد.»

این پوشش شرعی نیز خالی از ایراد نیست. نخست آنکه بانک باید بهره ثابت و از پیش تعیین شده بپردازد و در مضاربه، شرکت در سود، مشاع بودن و نامعین بودن سود از ارکان عقد است. دیگر آنکه در مضاربه، عامل، امین است و سرمایه در مالکیت مالک آن باقی می‌ماند و حال آنکه بانک چنانچه خواهیم گفت، لزوماً سپرده را تملک می‌کند.

بنابر این، روش به کار گرفته شده از سوی قانون مدنی در زمینه تجویز بهره سپرده بانکی بی‌پایه بوده است، اصولاً نهادهای فقهی کهن چون مضاربه را که در حال انقراض بوده و جای خود را به قراردادهای شرکت و نهادهای حقوقی دیگر داده است نمی‌توان جانشین پدیده‌های حقوقی نوین ساخت.

- بهره قراردادی:

ماده ۶۵۳ در بخش مربوط به عقد قرض که می‌بایست مقررات وام با بهره را پیش‌بینی کند تنها به یک راه‌حل صوری و غیر مستقیم متوسل شده است تا امکان پرداخت بهره را فراهم سازد. به این ترتیب که وام‌گیرنده در ضمن عقد لازمی به وام‌دهنده وکالت دهد در مدتی که وام بر عهده او باقی است مقدار معین از دارائی بدهکار را در هر ماه یا در هر سال مجاناً به خود منتقل کند. این روش غیر مستقیم که از نظر تکنیک حقوقی از حیل‌های شرعی سست‌تر است از نظر حقوقی نیز انتقاد پذیر است. در واقع، وجوهی که وام‌دهنده در پوشش وکالت از وام‌گیرنده دریافت می‌کند دارای علت قانونی نیست و تنها یک تغییر نام برای بهره محسوب می‌شود و نامشروع بودن آن را برطرف نمی‌کند ضمن آنکه حد و مرزی هم برای نرخ چنین بهره‌ای در نظر گرفته نشده است.^۱

- خسارت تاخیر در تادیه دین:

ماده ۲۲۸ قانون مدنی ایران در موردی که موضوع تعهد «وجه نقدی» است، خسارت حاصل از نفس «تاخیر در تادیه دین» را پیش‌بینی کرده است. می‌توان گفت این خسارت اعم از خسارت تاخیر در تادیه اصطلاحی است که در حقوق مدنی فرانسسه از آن به: *Les dommages - intérêts* یاد می‌شود. زیرا ممکن است بر اثر تاخیر در پرداخت بدهی از سوی بدهکار در سررسید مقرر، خسارت بزرگی به بستانکار وارد آید که بر پایه اصول کلی، جبران آن خواسته شود (قسمت ذیل ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی فرانسه)، ولی به هر حال ماده ۲۲۸ یک نوآوری در قانون مدنی بوده است و دادگاهها بر پایه آن می‌توانستند خسارت ناشی از تاخیر در

۱- ماده ۶۵۳ در اصلاحات قانون مدنی مصوب ۱۳۷۱/۸/۱۴ نسخ شده است و این دلالت بر آن دارد که شیوه به کار گرفته شده در این ماده یک روش موثر برای گریز از ممنوعیت بهره قراردادی محسوب نشده است. با این حال عبارت ذیل ماده ۵۵۸ که از همان ایرادات برخوردار است، به اعتبار خود باقی گذارده شده است.

تادیه دین را مورد حکم قرار دهند صرفنظر از اینکه در این ماده هیچ نرخی برای میزان «بهره - خسارت»، تعیین نشده است.

پ - قانون تسریع محاکمات:

روشهای قانون مدنی که از جهت نظری نادرست بود در عمل نیز کارآئی نداشت. در نتیجه دو سال پس از تصویب آن، قانونگذار در مقام چاره‌اندیشی برآمد. قانون «تسریع محاکمات»، مصوب ۳ تیرماه ۱۳۰۹ خورشیدی ابهام‌های قانون مدنی را زدود و با بیان قواعد حقوقی خسارت تاخیر تادیه، نرخ آن را نیز ۱۲ درصد در سال تعیین کرد.^۱

ت - قانون ثبت اسناد و املاک:

قانون تسریع محاکمات که تنها در زمینه «خسارت تاخیر تادیه» به تصویب رسید و مورد استناد دادگاهها قرار گرفت نمی‌توانست جایگزین کافی برای بهره‌بردارانی باشد. از سوی دیگر، روشهای غیر مستقیم به ویژه «بیع شرط» در جامعه ما ادامه داشت و وام‌دهندگان به گرفتن بهره‌های قراردادی افراطی و تملک اموال وام‌گیرندگان ادامه می‌دادند. بنابر این، وضع قانون تازه‌ای برای کنترل این روشهای غیرمستقیم ضرورت داشت. بدین ترتیب قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ با توصیف این شیوه‌های غیر مستقیم به «معامله با حق استرداد»، مقررات گسترده‌ای برای خنثی کردن این حیل‌های شرعی برقرار ساخت.^۲ مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر قانون ثبت، اینگونه معاملات با حق استرداد و شرطی و رهنی را قراردادهای وام و بهره محسوب کرد و تشریفات روشنی برای حفظ وام‌گیرنده و جلوگیری از ستمگریهای رباخواران وضع کرد. به

۱- مجموعه قوانین دوره هفتم قانونگذاری از ماده ۳۰ تا ۴۱ - ماده ۳۶ این قانون و تبصره آن چنین است: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است، خسارت تاخیر تادیه معادل صدی ۱۲ محکوم به است که از قرار هر سال تاخیر نسبت به مدت تاخیر، از تاریخ ابلاغ اظهارنامه والا از تاریخ اقامه دعوی و در موارد مذکور در ماده ۳۴ از تاریخ صدور اولین حکم تا روز تادیه حساب می‌شود».

تبصره - در مورد این ماده، خسارت محتاج به اثبات نبوده و صرف تاخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی است.
۲- ماده ۳۳ - «نسبت به املاکی که با شرط خیار یا به عنوان قطعی با شرط نذر خارج، و یا به عنوان قطعی با شرط وکالت، منتقل شده است و به طور کلی نسبت به املاکی که به عنوان صلح یا به هر عنوان دیگر با حق استرداد قبل از تاریخ اجرای این قانون (یکم فروردین ۱۳۱۱) انتقال داده شده اعم از اینکه مدت خیار یا عمل به شرط و به طور کلی حق استرداد منقضی شده یا نشده باشد و اعم از اینکه ملک در تصرف انتقال دهنده باشد یا در تصرف انتقال گیرنده...».

تبصره یکم این ماده نیز دست به محکم‌کاری زده و افزوده است:

«کلیه معاملات با حق استرداد ولو آنکه در ظاهر معامله با حق استرداد نباشد، مشمول جمیع مقررات راجعه به معاملات با حق استرداد خواهد بود اعم از اینکه بین متعاملین محصور بوده و یا برای تامین حق استرداد، اشخاص ثالثی را بآئی نحو کان، مداخله داده باشند».

موجب این مقررات، چنانچه وام‌گیرنده نتواند در ظرف مهلت مقرر، بدهی خود را به وام‌دهنده بپردازد، وام‌دهنده به هیچ عنوان تملک مورد معامله را طبق شروط صوری توافق نخواهد داشت و ناگزیر است از اداره ثبت فروش از طریق مزایده مال مورد معامله یا وثیقه بدهی خود را بخواهد تا بتواند اصل وام و بهره آن را به نرخ خسارت تاخیر تادیه قانونی دریافت کند.

مواد ۳۹ و ۴۰ قانون ثبت نیز حقوق وام‌گیرنده را غیر قابل اسقاط شمرده و تخلف قضات مامورین دولت از مقررات مزبور را مستلزم مجازاتهای انتظامی دانسته است، مقررات قانون ثبت در زمینه ممنوع ساختن روشهای غیرمستقیم را باید تیر خلاصی برای اشتهای سیر ناپذیر رباخواران در کشور ما دانست. از سوی دیگر این مقررات را باید نقطه پایانی در زمینه حیل‌های شرعی برای رباخواری محسوب کرد.

ث - قانون آئین دادرسی مدنی:

ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی که در ۵ شهریور ۱۳۱۸ به تصویب رسید، متن جامع و نهائی خسارت تاخیر تادیه در حقوق مدنی ایران است. اگر چه این ماده حداکثر ۱۲ درصد را برای زیان دیرکرد تعیین کرده ولی آن را شامل توافقی‌های خصوصی اشخاص در زمینه نرخ بهره کرده است. به همین جهت سقف ۱۲ درصد، یک نرخ قانونی برای بهره قراردادی تلقی گردید و در همه قراردادهای خواه وام‌های خصوصی و یا بانکی، توافق به بیش از آن قابل پذیرش دانسته نشد. همچنین ماده ۷۲۰ مربوط به بهره قراردادی است اگر چه به جای «بهره» واژه «خسارت تاخیر تادیه» رابه کار برده است. این ماده آغاز جریان بهره را تاریخ مورد توافق در قرارداد و در صورت عدم تصریح به زمان معین، همان تاریخ قرارداد را زمان آغاز جریان بهره دانسته است. این ماده را می‌توان پیش‌بینی صریح در زمینه بهره قراردادی دانست.^۱

ماده ۷۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی، دادگاهها را از صدور حکم به بهره مرکب ممنوع ساخته و می‌گوید: «خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست». زیرا در قراردادهای خصوصی میان اشخاص، بهره مرکب ناعادلانه محسوب می‌گردد.

ج - بهره مرکب بانکی:

قانون معاملات بانکی مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۲۰، تنها بانک‌ها را مجاز به دریافت بهره مرکب دانسته است. بر طبق این قانون:

«فقط بانکهایی که با اجازه دولت تاسیس شده یا می‌شوند می‌توانند مطابق قرارداد خود با مشتریان، بهره و کارمزد مقررین طرفین را که پایه احتساب آن بیش از میزان قانونی نخواهد

۱- ماده ۳۴ قانون ثبت نیز واژه «اجور عقب افتاده» را به مفهوم بهره به کار برده و آن را از «زیان دیرکرد» جدا ساخته است.

بود بر مجموع بدهی بدهکار تا تاریخ هر محاسبه افزوده و نسبت به مجموع آن، بهره و کارمزد قراردادی را دریافت دارند.»

نبودن پیش‌بینی‌های روشن در زمینه بهره قراردادی از کمبودهای نظام حقوقی کشور ما بوده است. این برخورد ابهام‌آمیز از پیشینه حرمت ربا سرچشمه می‌گیرد که قانونگذاری را ناگزیر از چنین برخوردهای احتیاط‌آمیزی کرده است. البته عنوان خسارت تاخیر تادیه یا اجور عقب افتاده در عمل شامل مفهوم بهره قراردادی گردیده است و دادگاهها به توافقه‌های قراردادی در زمینه بهره بر پایه ماده ۷۱۹ اعتبار بخشیده و نسبت به آن حکم داده‌اند. و حال آنکه قانون مدنی فرانسه این دو عنوان را از یکدیگر جدا ساخته و ماده ۱۹۰۵ به بعد مقررات مربوط به وام با بهره را که مورد توافق خصوصی اشخاص قرار می‌گیرد پیش‌بینی کرده و ماده ۱۱۵۳ مقررات ناظر به زیان دیر کرد را که از سوی دادگاه مورد حکم قرار می‌گیرد تعیین کرده است.

برایند کلی:

موضوع اصلی که در قرارداد وام در طول تاریخ مطرح گردیده شرط ربا و بهره است. سیاستهای قانونگذاری در این زمینه متنوع بوده‌اند. در حقوق‌های عرفی یونان و روم باستان، با این موضوع برخورد اقتصادی و اجتماعی شده است و یک نرخ بهره قانونی را تجویز و تجاوز از آن را محکوم کرده‌اند. قواعد مذهبی شریعت موسی، مسیحیت و اسلام در یک برخورد اخلاقی با ربا آن را یکسره ممنوع ساخته‌اند. با این حال ضرورت‌های مالی و اقتصادی در این جامعه‌ها، باب روشهای غیرمستقیم و حیل‌های شرعی را گشوده است. پی‌آمد گریزناپذیر ممنوعیت مطلق بهره، از میان رفتن نرخ قانونی و باز شدن دست رباخواران در اجحاف به وام‌گیرندگان بوده است. همانگونه که آقای فیلپ مالوری، استاد حقوق مدنی فرانسه می‌گوید: «ممنوعیت‌های ربا، زیر فشار ضرورت‌های مالی و بازرگانی همیشه از مسیر خود منحرف شده و در دراز مدت درهم شکسته شده است و مسئله اصل ربا به مسئله میزان و مبلغ بهره تبدیل گردیده است.»^۱

نظام‌های شناخته شده و معتبر حقوقی در جهان کنونی با بازگشت به نظام‌های عرفی کهن، مفهوم بهره و ربا را از یکدیگر جدا ساخت و با وضع قوانین روشن، یک نرخ بهره معتدل و کنترل شده را در قراردادهای وام و زیان دیرکرد محکوم به، تجویز کرده و با رباخواری و نرخهای افراطی به مبارزه برخاسته‌اند، واژه "intérêts" در زبان فرانسه "interest" در زبان انگلیسی برای بهره و "Usure" در زبان فرانسه و "Usury" در زبان انگلیسی به معنی ربا به کار رفته است. قانون عملیات بانکی بدون ربا، واژه‌های ربا و بهره را به گونه همسان و مترادف به کار برده، ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی مربوط به بهره معتدل را نادیده گرفته و از تجربه ارزشمند

کشورهای دیگر و سابقه تاریخی ربا و بهره در حقوق ایران غفلت ورزیده است. پی آمد گریزناپذیر این شیوه برخورد، پیدایش دوباره روش‌های غیر مستقیم و ازمیان رفتن محدودیت نرخ بهره بانکی بوده است. بنابر این قانون مزبور از جهت هدف و مقصود، متضمن هیچ نوآوری در حقوق کشور ما نیست و اینک باید ببینیم تکنیک‌های حقوقی که این قانون برای رسیدن به هدف خود به کار برده است چه می‌باشند.

بخش یکم

سپرده گذاری بانکی

کارکرد اصلی بانکهای بازرگانی، گردآوری پس اندازها و سرمایه‌های کوچک و بزرگ مردم و بکارگیری این سرمایه‌هاست. انباشته شدن این سپرده‌ها به بانک امکان می‌دهد با پرداخت وامهای گوناگون زمینه‌ساز حل مشکلات وام گیرندگان و پیشرفت اقتصادی و صنعتی در جامعه گردد. این ویژگی در هر بانک بازرگانی مانند بانکهای ایرانی کنونی وجود دارد و این بانکها را از موسسات و بانکهای سرمایه‌گذاری جدا می‌سازد. مسائل حقوقی سپرده‌گذاری بانکی و شیوه برخورد قانون عملیات بانکی با آن مباحث زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نوشتار یکم - تعریف سپرده گذاری

۱- عقد ودیعه:

در قانون مدنی ایران سپرده‌گذاری پول تعریف نشده و در قانون پولی و بانکی کشور نیز تعریفی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. بنابر این باید با توجه به موضوع و هدف آن، رابطه‌ای میان سپرده‌گذاری بانکی و قراردادهای ویژه‌ای که در قانون مدنی تعریف شده‌اند برقرار کنیم. ماده ۶۰۷ در تعریف ودیعه می‌گوید:

«ودیعه عقدی است که بموجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه مجاناً

نگاهدارد...».

ماده ۱۹۱۵ قانون مدنی فرانسه نزدیک به همین تعریف است و عناصر اصلی ودیعه را «دریافت مال دیگری»، «تعهد نگاهداری» و «استرداد عین مال» دانسته است. ماده ۱۹۱۸ این قانون نیز لازم دانسته است موضوع ودیعه «شیئی منقول» باشد. بنابر این عناصر اصلی عقد ودیعه چنین هستند:

- مالکیت مال برای ودیعه گذار باقی می‌ماند.
- سپرده گیر تعهد نگاهداری آن را دارد.
- سپرده گیر تعهد استرداد «عین» مال را دارد.

۲- ماهیت حقوقی پول:

با آنکه سپرده گذاری بانکی از جهت هدف و طبیعت نزدیکترین رابطه را به عقد ودیعه دارد، با این حال هیچیک از سه ویژگی مذکور در سپرده گذاری بانکی به چشم نمی خورد. این امر ناشی از موضوع سپرده بانکی یعنی پول می باشد. پول دارای ویژگیهایی است که آن را از دیگر اموال جدا می سازد. از نظر اقتصادی، پول، «واحد محاسبه» و «وسیله پرداخت» است. از نظر حقوقی پول خواه فلزی یا اسکناس، یک شیئی و مانند دیگر اموال نیست. گندم، گوشت و دیگر اموال دارای طبیعت مادی و ذاتی هستند و هیچ قانونی نمی تواند این ویژگیها را از آنها بگیرد. ولی ویژگیهای پول از ذات آن بر نمی خیزد بلکه از اراده قانونگذار سرچشمه می گیرد. این ویژگیها دارای جنبه حقوقی هستند. در حقوق فرانسه سه قاعده بر طبیعت پول حاکم می باشد که مورد تصریح قانون پولی و بانکی ایران نیز قرار گرفته است. این قواعد چنین هستند:

الف - رواج قانونی - اینکه گفته می شود پول خاصی و برای مثال ریال در کشور ما رواج قانونی دارد به این معنی است که هر بدهکاری با پرداخت مبلغی ریال برابر میزان بدهی خود، بری می شود و بستانکار تکلیف دارد این پرداخت را بپذیرد. این پرداخت، بدهکار را بری می کند و دین او را ساقط می کند. اگر این قاعده وجود نداشت پول نمی توانست وظیفه و نقش خود را به عنوان ابزار پرداخت ایفاء کند.^۱ بند ب ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ این ویژگی را در مورد ریال پیش بینی کرده است.

ب - ارزش اسمی - هنگامی که پول فلزی رایج بوده است و دولتها به مردم بدهکار می شدند از نیروی حاکمیت انحصاری خود در زمینه ضرب سکه سود می جستند. به این طریق که با کم کردن وزن هر سکه فلزی، میزان بدهی خود را کاهش می دادند. این روش به فیلیپ لوبل در فرانسه نسبت داده شده است. گفته شده که در رم باستان نیز، بُزن به این روش برای مبارزه با افزایش قیمتها متوسل گردیده است.^۲ پولی که وزن آن کاهش یافته قدرت ابراء خود را حفظ می کند و هر واحد آن برابر واحدهای سنگین پیشین به حساب می آید به صرف اینکه از حیث نام و ارزش ثابت مانده است. این همان اصل شناخته شده *nominalisme* است. این قاعده در ماده ۱۸۹۵ قانون مدنی فرانسه آمده است که در جای خود دارای توجیحات حقوقی است. بند «و» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور ارزش اسمی اسکناسها و سکه های فلزی را پیش بینی کرده است.

پ - رواج اجباری - در آغاز انتشار پول های کاغذی و در شرایطی که مردم هنوز اعتماد لازم را نسبت به اسکناس به دست نیاورده بودند، در هنگام پیدایش بحران ها به ویژه جنگ، اعتبار پول کاغذی متزلزل می گردید. در این دوران پول کاغذی قابل تبدیل به طلا یعنی پشتوانه

آن بود. بنابر این صف‌های طولانی در برابر گیشه‌های بانکها برای تبدیل پول کاغذی به طلا بوجود می‌آمد. از یک سو پذیرش همه این درخواستها امکان پذیر نبود زیرا پشتوانه کافی در اختیار دولت وجود نداشت و از سوی دیگر این امر باعث صدمه به اعتبار دولت می‌گردید. به ویژه آنکه در معامله با دولتهای دیگر که اصولاً پول کاغذی را نمی‌پذیرفتند و دولت ناگزیر از پرداخت طلا بود می‌بایست مقدار کافی از اندوخته طلا همیشه در خزانه دولت باشد. بنابر این در فرانسه قانون یکم اوت ۱۹۱۴ هرگونه رابطه پول کاغذی با پشتوانه آن را قطع کرد و این امر یک دگرگونی بنیادی در مفهوم حقوقی پول کاغذی در بسیاری از کشورهای گردید.^۱ در این شرایط بستانکاران ناگزیر بودند همین پولهای کاغذی را که رابطه آن با پشتوانه طلا قطع گردیده بود در مقام پرداخت بدهی از سوی بدهکار بپذیرند. بند ج ماده ۲ قانون پولی و بانکی ایران نیز همین قاعده را در زمینه پول رایج کشور به مورد اجرا گذارده است.^۲

بدین ترتیب مفهوم حقوقی پول از آنچه در طول تاریخ در زمینه مسکوک طلا و نقره وجود داشته به گونه کامل دگرگون گردیده و همین امر در مفهوم حقوقی سپرده‌گذاری پول نیز بی‌تاثیر نبوده است.

۳- سپرده عام و خاص:

سپرده‌گذاری عام هنگامی است که توافق بانک و مشتری بر این است که پول سپرده شده عیناً مسترد نشود بلکه معادل آن پول به سپرده‌گذار پس داده شود. سپرده‌گذاری عام که نوع غالب و رایج سپرده‌گذاری بانکی است تا حدودی به وام شباهت دارد.

سپرده خاص، سپرده‌ای است که بموجب آن می‌بایست همین سپرده به سپرده‌گذار مسترد شود و هدف از این نوع سپرده‌گذاری صرفاً نگاهداری مال است. موضوع سپرده خاص غالباً اشیاء قیمتی و گرانبهاست. با این حال پول، سهام با نام و بی‌نام و اوراق بهادر نیز می‌توانند به گونه خاص سپرده‌گذاری شوند. برای مثال هنگامی که وجوهی از سوی یکی از طرفین قرارداد و در انتظار تنظیم سند معامله به یک سردفتر اسناد رسمی سپرده می‌شود. در بسیاری از موارد از نوع سپرده‌گذاری خاص محسوب می‌شود. این وجوه به ملکیت سردفتر در نمی‌آید و اگر رعایت موازین امانت را در نگاهداری آن کرده باشد در برابر تلف یا سرقت آن مسولیت ندارد. هنگامی که در مورد نوع سپرده‌گذاری تردیدی برانگیخته می‌شود، اصل بر این است که نظر طرفین بر سپرده‌گذاری خاص می‌باشد زیرا این گونه سپرده‌گذاری با قواعد عمومی قرارداد و دیعه منطبق است. اصل بر این

۱- همان کتاب، شماره ۳۰۵

۲- «تمهد پرداخت هرگونه دین و یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام پذیر است مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد.»